

خصوصی سازی در آموزش عالی

حمیدرضا آراسته*
توران اسفندیاری

چکیده

چالش‌های عمده بر سر راه توسعه‌ی آموزش عالی در قرن بیستم، سبب گرایش به خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه شده است. رشد اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، تغییر ترکیب جمعیتی، افزایش اقبال عمومی به آموزش، ظهور فناوری‌های جدید، همگرایی سازمان‌های مدرن و کاهش اعتماد مردم به عملکرد و اثربخشی دولت‌ها از دلایل اصلی گرایش به خصوصی‌سازی آموزش عالی در دو دهه اخیر بوده است. در ایران نیز خصوصی‌سازی گسترده در اصل ۴۴ قانون اساسی در ایران پیش‌بینی و سیاست توسعه آموزش عالی خصوصی در برنامه توسعه سوم مورد توجه قرار گرفته است؛ اما وجود پاره‌ای موانع و محدودیت‌ها باعث گردید آموزش عالی خصوصی، به معنای واقعی آن، رخ ندهد. در این مقاله ابتدا به بررسی ادبیات خصوصی‌سازی آموزش عالی پرداخته می‌شود. سپس، راهبردها و سیاست‌های مورد توجه خصوصی‌سازی مورد بحث قرار می‌گیرد. در پایان نگارندگان با بررسی وضعیت موجود و موانع و تنگناهای خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، پیشنهادهایی را ارائه می‌کنند.

واژگان کلیدی: خصوصی سازی، آموزش عالی، شهریه، کمک مالی و ایران.

* عهده دار مکاتبات، دانشیار

۱- دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم،

تلفن: (+۹۸۲۱ ۲۲۴۶۷۴۸۰) پست الکترونیکی: arasteh@tmu.ac.ir

مقدمه

تا اواسط قرن ۲۰ میلادی دولت‌ها همواره مسئولیت اولیه آموزش شهروندان را بر عهده داشته‌اند و بزرگ‌ترین و تنها منبع تأمین‌کننده بودجه مورد نیاز آموزش و پرورش به شمار می‌آمدند [۱]. با پیدایش فناوری‌های جدید و وقوع پدیده‌ای جهانی‌شدن، آرمان‌های لیبرال دموکراسی با مفاهیم نئولیبرال در خصوص جامعه و دولت ترکیب شد و با جهانی‌شدن اقتصاد و کاهش نقش دولت در تأمین بودجه مورد نیاز آموزش عالی، مؤسسات آموزش عالی دولتی به میزان زیادی رقابتی و بازار محور شدند. از طرف دیگر اصول ارایه خدمات رفاه عمومی و اجتماعی توسط دولت مورد تردید قرار گرفت و با رواج فرهنگ شرکتی یا نگرش تجاری نقش آموزش عالی خصوصی گسترش یافت و تعداد بی شماری از فراهم‌کنندگان جدید آموزش عالی از قبیل بخش‌های انتفاعی، مؤسسات غیرانتفاعی، مؤسسات مجازی و سایر مراکز آموزش عالی به عرصه آمدند که قادر بودند به سرعت با تغییرات جامعه، شرایط بازار و علایق دانشجویان سازگار شوند [۱]. بعد از پایان جنگ جهانی دوم، سیاست کشورهای از نخبه‌گرایی به سمت توده‌ای شدن آموزش عالی حرکت کرد. به دلیل افزایش جمعیت و تقاضای روبه رشد جوامع مدرن به تحصیلات عالی، آموزش عالی خصوصی گسترش چشم‌گیری یافت [۳]. از سال ۱۹۹۰، تغییر قابل ملاحظه‌ای در شیوه‌های سنتی تدارک آموزش عالی به وجود و راهبردهای جدید تأمین بودجه در بخش دولتی به اجرا درآمد که در آن توجه به سمت تولید درآمدهای اضافی از دارایی‌های دولتی معطوف شد. افزایش شهریه دانشجویان، ترغیب اهدای کمک توسط ذی‌نفعان و درگیر نمودن بخش خصوصی در ارایه خدمات مورد نیاز مؤسسات آموزشی از جمله آن راهبردها بودند. در ابتدای قرن ۲۱ نقش بخش خصوصی به عنوان شریک بالقوه بخش دولتی، هم در تدارک و هم در تأمین بودجه آموزش عالی بیشتر آشکار شده است [۴].

در ایران نیز در برنامه‌های توسعه سوم و چهارم صریحاً بر توسعه بخش خصوصی آموزش عالی کشور تأکید شد و اقدامات جسته‌گریخته‌ای همانند تأسیس دانشگاه‌های غیر انتفاعی، آزاد و دوره‌های شبانه صورت گرفته است؛ ولی شواهد گویای این مطلب است که با وجود تجربه‌هایی از این دست، آموزش عالی کاملاً

خصوصی به وجود نیامده است و این گونه دانشگاه‌ها صرفاً غیر دولتی محسوب می‌شوند.

در این مقاله، ابتدا سیاست‌ها و راهبردهای اعمال شده در راستای خصوصی‌سازی آموزش عالی بررسی می‌شود و سپس با ترسیم وضعیت موجود خصوصی سازی در ایران؛ موانع و تنگناهای آن شناسایی شده تا با توجه به تجربیات موفق در این زمینه، پیشنهاد‌های راهبردی به منظور ارتقای آموزش عالی خصوصی کشور ارائه شود.

آموزش عالی خصوصی

به عقیده جانستون اصطلاح خصوصی سازی در آموزش عالی، بر فرایند یا گرایشی اطلاق می‌شود که در آن، مدارس عالی و دانشگاه‌ها (اعم از دولتی یا خصوصی)، سیاست‌ها یا هنجارهای عملی مربوط به بخش خصوصی را در پیش می‌گیرند [۵]. به نظر جونز "در دنیای واقعی، به سختی می‌توان گفت که دانشگاه‌های کاملاً خصوصی یا کاملاً دولتی وجود دارند. ممکن است مؤسساتی که از اعتبارات دولتی استفاده می‌کنند، دارای هیئت مدیره یا هیئت امنای غیردولتی باشند؛ یا این که مؤسساتی که اعتبارات آنها از بخش خصوصی تأمین می‌شود، اغلب با مقررات وقوانین دولتی اداره شوند [۶]. در واقع حرکت به سمت خصوصی‌سازی بیشتر، ممکن است در برگیرنده یک، یا همه خصیصه‌های زیر باشد:

- ۱- تأمین هزینه‌ها و به دست آوردن استقلال بیشتر از دولت؛
- ۲- افزایش شهریه؛ ۳- توجه به مدیریت بازاریابی؛ ۳- حمایت از مفهوم "مدیریت ثبت‌نام" با هدف جذب و حفظ دانشجویان؛
- ۴- نهادینه کردن فرهنگ خدمت به دانشجو به عنوان مشتری؛
- ۵- جمع‌آوری کمک‌های مردمی از بخش دولتی؛ ۶- واگذاری بخش‌های خدماتی دانشگاه‌ها به پیمان‌کاران و همچنین واگذاری برخی از فعالیت‌های مدیریتی نظیر انتشارات و تأسیسات به آنان؛
- ۷- تعدیل گروه‌های آموزشی و سایر بخش‌هایی که ظاهراً قادر به جذب دانشجو یا منابع مالی پژوهشی نیستند [۵].

در کشورهای مختلف سیاست‌ها و راهبردهای متفاوتی برای توسعه خصوصی سازی آموزش عالی اتخاذ کرده‌اند که از عمده‌ترین آنها می‌توان به روش‌های تأمین منابع مالی زیر اشاره کرد:

خصوصی سازی در آموزش عالی

متفاوت تعیین نمایند. در شهریه‌های یکسان، شخصی که در یک دانشگاه کوچک محلی تحصیل می‌کند همان شهریه‌ای را می‌پردازد که شخصی که در یک دانشگاه بین‌المللی مشهور تحصیل می‌کند؛ به همین دلیل شهریه‌های متغیر از شهریه‌های یک سطح عادلانه‌تر هستند. اما، شهریه‌های متغیر ممکن است مانع دسترسی دانشجویان طبقات ضعیف جامعه به آموزش عالی شوند. از این رو باید اعطای تسهیلات ویژه و وام‌های مناسب به این دسته از دانشجویان را نیز مد نظر قرار داد. بر اساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال تحصیلی ۲۰۰۸-۰۹، کشورهای عضو این سازمان به طور متوسط برای هر دانشجوی تمام وقت بالغ بر ۸۴۰۰ دلار هزینه کرده‌اند. در حالی که ایالات متحده در سال تحصیلی فوق برای هر دانشجوی تمام

دریافت شهریه برای تأمین منابع مالی

خصیصه مشترک تدارک آموزش عالی خصوصی آن است که شهریه‌یکی از منابع اصلی درآمد به شمار می‌آیند [۴] هر دانشگاه شهریه‌ای برای هر یک از مدارج تحصیلی تعیین می‌کند و این شهریه تابع حداکثر هزینه‌ها یا سقف هزینه‌ها است. مبلغ شهریه^۱ از سطح تقاضا برای هر رشته تحصیلی و هزینه مورد نیاز برای کسب آن تأثیر می‌پذیرد [۷]. در زیر به ابعاد و برخی از سیاست‌های مربوط به شهریه اشاره می‌شود:

شهریه‌های متغیر^۲ و یکسان^۳. شهریه‌های متغیر به تخصیص کارآمد منابع در آموزش عالی کمک می‌کنند. دانشگاه‌ها باید استقلال عمل داشته باشند تا بتوانند شهریه‌های تحصیلی

جدول شماره ۱: میانگین هزینه (دلار آمریکا) تأمین شده از منابع مختلف برای هر دانشجوی تمام وقت در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی ایالات متحده در سال ۲۰۰۸

منبع	دانشگاه‌های پژوهشی		دانشگاه‌های جامع		کالج‌های دوساله خصوصی دولتی (دلار)	دانشگاه‌های چهارساله خصوصی (دلار)
	دولتی (دلار)	خصوصی (دلار)	دولتی (دلار)	خصوصی (دلار)		
شهریه	۷۵۸۳	۱۹۸۳۶	۵۶۰۷	۱۴۳۳۲	۲۹۹۲	۱۳۵۱۵
بودجه ایالتی و محلی	۹۴۹۲	۸۱۳	۷۰۲۲	۳۴۹	۷۰۵۴	۵۹۵
بودجه‌های دولت فدرال، و قراردادهای گرندهای دولت فدرال و ایالت	۸۴۱۷	۱۱۱۱۶	۳۲۸۰	۱۰۷۴	۳۲۱۳	۱۴۳۸
درآمدهای معین از محل شرکت‌ها، بیمارستان‌ها و سایر منابع	۹۸۷۹	۱۹۹۳۰	۳۱۴۹	۳۷۸۲	۱۱۸۹	۵۹۱۱
درآمد از محل کمک های مردمی، وقف و سود سرمایه‌گذاری	۱۵۶۱	۱۵۵۹۴	۴۴۹	۲۵۲۵	۲۹۱	۵۴۷۵
بودجه عملیاتی کل	۳۶۷۲۵	۶۶۳۵۴	۱۹۴۴۵	۲۱۶۵۱	۱۴۶۰۳	۲۶۲۸۹

- 1 Donations
- 2 Variable Fees
- 3 Flat Fees

در قبال آموزش عالی فرزندان نشان ندارند و از فرزندان هم انتظار نمی‌رود که در حین تحصیل هزینه‌های تحصیل خود را را بپردازند. در این کشورها دولت با استفاده از منابع مالیاتی، مبلغی را برای تمام هزینه‌های آموزشی دانشجویان واجد شرایط می‌پردازد. در استرالیا خانواده‌ها یا سیاست شهرییه‌ی پیش پرداخت را انتخاب می‌کنند یا این مسئولیت را بر دوش فرزندان نشان می‌گذارند تا اقساط وام مشروط به درآمد را باز پرداخت نمایند.

در بسیاری از کشورها با وجود محدودیت‌های قانونی یا مقاومت همگانی و نیرومندی که علیه پرداخت کمک هزینه وجود دارد، سیاست شهریه‌های دوگانه^۴ اجرا می‌شود. در این کشورها، تعداد خاصی از دانشگاه‌های رایگان (یا با هزینه‌های خیلی پایین) وجود دارند که دولت به آنها کمک‌هایی اعطا می‌کند. این کمک‌ها بر مبنای میزان کسب ملاک‌های تعیین شده از سوی دولت تعیین می‌شود^[۹].

همانطور که اعطای مقرری به کودکان بی بضاعت که از سنین پایین مدرسه را ترک می‌کنند، آنها را تشویق می‌کند که مدرسه را به اتمام برسانند، اعطای تسهیلات به دانشجویان سال اول که بضاعت مالی ندارند و ارائه‌ی خدمات بیشتر به افرادی که بعد از فارغ التحصیلی درآمد پایینی دارند نیز از راهبردهایی هستند که فرصت دسترسی به آموزش عالی را افزایش می‌دهند^[۷].

۴- ارتقای انگیزه‌ی برای تأمین منابع مالی

انگیزه دانشجویان برای سرمایه‌گذاری برای کسب مدرک دانشگاهی از طریق نرخ بازده سرمایه‌گذاری اندازه‌گیری می‌شود. آگاه کردن افراد از هزینه‌های آموزش عالی و بازگشت سرمایه‌هایشان، اعطای استقلال بیشتر به بخش آموزش عالی خصوصی و افزایش پاسخگویی آنها، از جمله سیاست‌هایی هستند که کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری اقتصادی به منظور افزایش انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری برای آموزش عالی خصوصی به کار برده‌اند^[۱۰]. از سوی دیگر، انگیزش در کمک‌های نوع دوستانه و انجام امور خیریه از گذشته‌های دور نقش بزرگی را در گسترش آموزش عالی داشته‌اند. آموزش عالی در انگلستان و آمریکا نمونه‌های بارزی از خدمات نوع دوستانه در بخش آموزشی بوده‌اند. ساختار کنونی نظام آموزشی انگلستان برپایه‌خیرات در گذشته شکل گرفته است.

وقت حدود ۱۹۰۰۰ دلار هزینه کرده است^[۸]. دریافت شهریه در ایالات متحده فقط ۲۰-۱۵ درصد هزینه‌های آموزش عالی را پوشش می‌دهد. جدول شماره ۱ میزان هزینه و منبع تأمین کننده در این کشور را نشان می‌دهد.

۲- اعطای وام‌های مناسب

میزان وام‌ها مناسب^۱ به اندازه‌ای است که هزینه‌های تحصیل و هزینه‌های واقعی زندگی دانشجویان را پوشش می‌دهد و معمولاً تمام دانشجویان مستحق دریافت چنین وام‌های هستند. شایسته است بازپرداخت وام‌ها مشروط به درآمد^۲ و میزان بهره‌ای که مطالبه می‌شود در کمترین سطح ممکن باشد. دانشجویان احتمالاً اطلاعات خوبی از این نوع تسهیلات نخواهند داشت؛ در این میان اطلاع رسانی شفاف حائز اهمیت است.

۳- اعطای بورس یا کمک هزینه تحصیلی

قسمتی از هزینه‌ی دستیابی به آموزش عالی در دانشگاه‌های خصوصی از راه اعطای کمک هزینه یا بورس تحصیلی از سوی دولت تأمین می‌شود که درصدی از آن از حقوق ماهیانه دانشجویان و پس از فارغ التحصیلی باز پرداخت خواهد شد^[۷]. برخی از سیاست‌های پرداخت کمک هزینه‌ی تحصیلی که توسط کشورها اتخاذ می‌شود به میزان زیادی به تلقی آنها از مسئولیت‌پذیری مالی خانواده در قبال آموزش عالی فرزندان نشان مربوط است. در ادامه به برخی از این سیاست‌ها اشاره می‌شود:

شهریه مبتنی بر درآمد خانواده بر این فرض مبتنی است که خانواده‌ها مسئول پرداخت بخشی از هزینه‌های آموزش عالی فرزندان نشان هستند. کمک هزینه‌ای که پرداخت می‌شود به درآمد خانواده بستگی دارد. این سیاست در بسیاری از کشورها مثل استرالیا، هلند، آفریقای جنوبی، ایالات متحده آمریکا و انگلستان اجرا می‌شود.

در برخی از کشورها مثل کشورهای اسکانندیناوی که سیاست شهریه معوق^۳ را پیشه نموده‌اند به خانواده‌ها هیچ‌گونه کمک هزینه‌ی تحصیلی جهت تحصیل فرزندان نشان پرداخت نمی‌شود و این پیش فرض وجود دارد که خانواده‌ها از نظر مالی مسئولیتی

1 Well- Designed Loan Scheme

2 Income – Contingent Repayments

3 Deferred Tuition Fees

4 Dual – Track Tuition Fees

خصوصی سازی در آموزش عالی

برای تمرکز زدایی در آموزش عالی دولتی شامل افزایش کارایی، مشارکت اجتماعی، پاسخگویی، همچنین افزایش حساسیت و مسئولیت پذیری در قبال نیازهای محیطی و تجهیز منابع و افزایش مسئولیت پذیری مالی می شود [۱۳]. اما کاهش حمایت دولت‌ها از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی آنها را وادار ساخته است تا با اتخاذ سیاست‌هایی مانند افزایش شهریه و به کارگیری هیئت علمی غیررسمی و پاره وقت این خلاء حمایتی را جبران نمایند [۱۴] که نتیجه آن کاهش کیفیت بوده است.

۶- توجه به افزایش رقابت در بازار آموزش عالی خصوصی

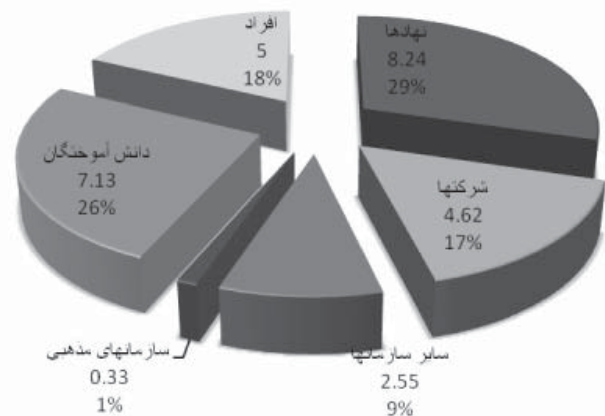
یکی از فواید مسلم خصوصی سازی، ایجاد رقابت و تلاش در جهت کارآمد کردن و تعالی و تناسب بخشیدن به آموزش عالی است [۶]. دانشگاه‌های خصوصی همواره برای جذب دانشجویان جدید با دانشگاه‌های دولتی رقابت می‌کنند. آنها این کار را با اختصاص منابع مالی بیشتر به منظور بازاریابی انجام می‌دهند، تنوع محصولات خود را افزایش می‌دهند و تلاش می‌کنند که بیشتر مشتری‌مدار شوند. آنها می‌دانند که داشتن نگرش کارآفرینانه، برای رقابت موفقیت آمیز در بازار آموزش عالی مورد نیاز است [۱۵].

۷- افزایش برابری و قابلیت دسترسی به آموزش عالی

در بحث افزایش دسترسی به آموزش عالی، همواره سهم بخش خصوصی از نظر دور مانده است. اما شواهد نشان می‌دهد که حضور بخش خصوصی در افزایش فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی به ویژه برای دانشجویان قشرهایی با توانایی پایین‌تر تأثیر داشته است [۱۶]. اگرچه وام‌های اعطا شده از طرف بانک‌های تجاری و دانشگاهی، بورس تحصیلی رایگان و شکل‌های دیگر پرداخت کمک هزینه‌ی تحصیلی از سوی دولت و دانشگاه، سازوکارهایی هستند که هزینه‌های افزایش یافته آموزش عالی را متعادل می‌کنند، اما میزان دستیابی به این منابع برای همه دانشجویان و خانواده‌هایی که متقاضی دریافت چنین وام‌هایی هستند، تضمین نشده است. با این حال افزایش شهریه دانشجویان ممکن است تأثیر منفی در زمینه‌ی کاهش ثبت نام دانشجویان محروم و مستعد داشته باشد [۱۰]. ارائه یارانه‌های هدفمند به فارغ التحصیلان بیکار، بخشودگی هرگونه وام بازپرداخت نشده‌ی افراد

بخش‌های سخاوتمندان بزرگ، کمک‌های فارغ‌التحصیلان و هدایای بنیادهای غیر انتفاعی از آن جمله‌اند. ایجاد بنیادهای خیریه‌ای مثل فورد، کارنگی و راکفلر به عنوان بخشی از روند خصوصی سازی منعکس کننده‌ی آمیزه‌های گوناگونی از نوع دوستی است [۶]. میزان کمک‌ها و هدایای داوطلبانه به ۱۴۹ از ۱۶۵ مرکز آموزش عالی انگلستان در سال تحصیلی ۲۰۰۸-۰۹ بالغ بر ۷۲۰ میلیون دلار بوده است. شایان ذکر است که در ازای هر ۲ دلار کمک خیرخواهانه از سوی مردم و سازمان‌ها، دولت ۱ دلار به دانشگاه کمک می‌کند [۱۱]. اگرچه این برنامه در سال ۲۰۱۰ به پایان می‌رسد، اما نقش بزرگی را در ایجاد انگیزه برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی داشته است. شایان ذکر است که کمک‌ها و هدایای داوطلبانه فقط ۲/۳ درصد هزینه‌ها آموزش عالی در این کشور را تأمین می‌کند.

در سال ۲۰۰۸-۹ خیرین حدود ۲۸ میلیارد دلار به دانشگاه‌های آمریکا کمک کرده‌اند [۱۲] که از این میان بیش از ۱۲ میلیارد دلار آن از سوی دانش‌آموختگان و سایر افراد حقیقی بوده است (نمودار شماره ۱). همچنین، پاره‌ای از منابع مالی مورد نیاز بخش خصوصی از طریق ترغیب انگیزه افراد به مالیات دهی تأمین می‌شود. از سیاست‌های تشویقی مشارکت خیرین کاهش مالیات بر درآمد آنها است.



نمودار شماره ۱: کمک‌های داوطلبانه به دانشگاه‌های ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ (۲۷,۸۵ میلیارد دلار)

۵- تعدیل میزان دخالت دولت

تمرکز زدایی، به معنای به وجود آوردن حداقل الزامات برای مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی است. انگیزه‌های دیگر

کنترل نماید. نظارت از طریق ابزارهای یاد شده باعث ایجاد سیاست رقابت آمیز در بین فراهم کنندگان آموزش عالی خصوصی می‌شود [۱۹].

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی [۲۰] درباره برخی از راهبردهای کنترلی که در حکم اهرم‌های نظارتی دولت هستند، چنین آمده است:

- ۱- ارزیابی کیفیت آموزشی و اعتبارسنجی تمام برنامه‌ها و مدارک
- ۲- استقرار برنامه‌ریزی منطقه‌ای (که با ایجاد شبکه‌های بین سازمانی هزینه‌های فراهم‌سازی خدمات آموزشی را کاهش دهد).
- ۳- اعطای استقلال در ارائه آموزش‌های متناسب با شهریه دریافت شده
- ۴- فراهم کردن شرایط آرایه خدمات به کارکنان و پذیرش دانشجو
- ۵- اتخاذ تدابیری جهت شفاف‌سازی درآمدها و پاسخگویی مالی
- ۶- صدور مجوز تأسیس مؤسسه توسط دولت
- ۷- اعمال سیاست‌های مالی در راستای ترغیب مؤسسه‌های آموزش عالی خصوصی به تأمین بودجه مورد نیاز خود
- ۸- اعطای وام از طریق بانک‌های دولتی
- ۹- مجوز فروش خدمات به بخش خصوصی و دولتی

جایگاه خصوصی سازی در آموزش عالی ایران

در ده سال گذشته کیفیت و کمیت آموزش عالی در ایران از رشد خوبی برخوردار بوده است. هم اکنون حدود سه میلیون هفتصد هزار نفر دانشجو در دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی و غیرانتفاعی مشغول به تحصیل هستند که در این میان سهم بخش غیردولتی غیر قابل انکار است. شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۴۱ مورخ ۶۴/۷/۲۳ کلیات تأسیس موسسات آموزش عالی غیر دولتی را به تصویب رساند. بحث خصوصی سازی برای اولین بار در سال ۱۳۷۳ با مسأله واگذاری دانشگاه پیام نور به بخش خصوصی مطرح گردید. این طرح که به دلیل محدود بودن شدید منابع مالی دولت به مجلس ارائه شده بود، تصویب نشد. اگرچه هم اکنون بخش عمده‌ای از هزینه‌های این دانشگاه از محل پرداخت شهریه تأمین می‌شود، اما طرح دوم توسعه دانشگاه پیام نور مبنی بر پرداخت ۳۰ درصد هزینه تحصیل از سوی دانشجویان

کم درآمد و کارکنان شاغل در بخش دولتی، از جمله سیاست‌هایی هستند که به منظور تضمین برابری و افزایش قابلیت دسترسی به آموزش عالی به کار می‌رود [۲۱].

در بیانیه کنفرانس جهانی آموزش عالی یونسکو که با موضوع آموزش عالی و پژوهش برای تغییر اجتماعی و توسعه در ۵-۸ جولای ۲۰۰۸ در پاریس برگزار شد، آمده است که آموزش عالی خصوصی علاوه بر نقش عمده‌ای که در ارتقای قابلیت دسترسی و تضمین برابری ایفا کرده است، باید از رفاه دانشجو و حمایت‌های مناسب مادی از دانشجویان محروم و حاشیه نشینان اطمینان حاصل کند [۱۶].

۸- توجه به ارزش‌ها و رفتارهای تجاری

سالانه حدود یک تریلیون دلار برای موضوع آموزش هزینه می‌شود و این مسأله نشان می‌دهد که امروزه آموزش یک "تجارت بزرگ" محسوب می‌شود و بالقوه ظرفیت یک "بازار بزرگ" را دارا است [۲]. امروزه آموزش و پرورش به طور فزاینده‌ای با تولید ثروت، خلاقیت و نوآوری بیشتر مرتبط شده است. عامل کلیدی مسبب این امر پویایی‌های در حال تغییر دنیای تجارت، قوانین آن، بازیگران یا راهبردهای آن می‌باشد [۱۷]. باید در نظر داشت که در اغلب موارد خصوصی سازی شکل کاملاً تجاری به خود می‌گیرد و دانشگاه‌ها تشویق می‌شوند که رفتار تجاری و شبه بازاری پیش گیرند [۱۸]. با افزایش فشار بازار، آرمان دانشگاه‌های نخبه گرا برای تربیت دانشجویان به عنوان "شهروندان فرهیخته آینده" روز به روز به فراموشی سپرده می‌شود و از دانشجویان به عنوان مشتریان آموزش عالی "یاد می‌شود. فراهم کنندگان جدید آموزش عالی همواره در تلاشند که "مهارت‌های ذهنی" را به دانشجویان آموزش دهند و آنان را برای موفقیت در بازار کار آماده سازند [۲] که این بینش تأثیری منفی روی انسان سازی و تقویت فرهنگ که مأموریت اصلی دانشگاه‌ها است خواهد گذاشت.

۹- توجه به راهبردهای کنترل بعد از خصوصی سازی آموزش عالی

دولت‌ها با ابزارهای کنترلی متعدد، بر ابعاد مختلف خصوصی سازی آموزش عالی نظارت می‌کنند. ابزارهایی از قبیل تأمین کیفیت و بهبود تناسب آموزش‌های دانشگاهی، تنظیم هزینه‌ها و قیمت‌ها، می‌تواند حفظ کیفیت، دستیابی و مساوات را در آموزش عالی

خصوصی سازی در آموزش عالی

از کل ۱۷۸۴۴۹۹ دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی، تعداد ۸۹۹۳۷۳ نفر (۵۰/۴ درصد) در آموزش حضوری، ۸۷۹۸۱۲ نفر (۴۹/۳ درصد) در آموزش نیمه حضوری، تعداد ۱۰۷۰ نفر (۱/۱ درصد) در آموزش غیر حضوری و تعداد ۴۲۲۴ نفر (۲/۲ درصد) در دوره مجازی به تحصیل اشتغال داشته‌اند. کل اعتبارات بخش آموزش عالی در سال ۱۳۸۷ بالغ بر ۳۰۸۴۸ میلیارد ریال (حدود سه میلیارد دلار) بود.

یکی از منابع تأمین کننده اعتبار مورد نیاز بخش آموزش عالی، درآمدهای کسب شده از محل درآمدهای اختصاصی است. از کل اعتبارات این بخش ۵۸/۹ درصد اعتبارات هزینه‌ای، ۲۶ درصد آن اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و ۱۵/۱ درصد آن از محل درآمدهای اختصاصی بوده است. میزان درآمدهای اختصاصی بخش آموزش عالی در سال ۱۳۸۷، معادل ۷۹۰۴ میلیارد ریال (۷۸۰ میلیون دلار) بوده است. از میزان کمک‌ها و هدایای خیرین به آموزش عالی ایران اطلاعاتی در دست نیست.

موانع خصوصی سازی در ایران

خصوصی سازی در کشور با چالش‌های مهمی روبه روست که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- اعتبار ضعیف دانشگاه‌های خصوصی در نزد مردم و سازمان‌ها؛
- ۲- جایگاه ضعیف بخش خصوصی در اقتصاد کشور؛
- ۳- اولویت سوددهی بر خدمات اجتماعی در نزد دانشگاه‌های خصوصی؛
- ۴- ضعف رویکرد خودگردانی در اداره دانشگاه‌ها؛
- ۵- مشکلات اقتصادی مردم؛
- ۶- مشکلات و محدودیت‌های ساختاری در راه اندازی و پایش دانشگاه‌های خصوصی؛
- ۷- کاهش متقاضیان ورود به آموزش عالی؛
- ۸- دولت محوری توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور
- ۹- ضعف رقابت میان دانشگاه‌ها؛
- ۱۰- امکانات ضعیف دانشگاه‌های خصوصی؛
- ۱۱- افزایش متقاضیان تحصیل در کشورهای در حال توسعه‌ای

نیز به تصویب نرسید. در بند ۵۰۴ خط مشی‌های اساسی آموزش عالی در برنامه دوم توسعه، بر ایجاد زمینه جهت ایجاد دانشگاه توسط شخصیت‌های حقیقی و حقوقی غیردولتی تأکید شده است. نگاه اصل ۴۴ قانون اساسی نیز ناظر بر واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی است. ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ نیز زمینه‌های لازم برای چنین کار بزرگی را فراهم کرد [۲۱]. میلیون‌ها انسان در این مرزوبوم چشم امید به سند چشم‌انداز، سیاست‌های اقتصادی (بویژه اجرای اصل ۴۴) و برنامه‌های توسعه علمی در قالب فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی مراکز علمی، برای بهبود زندگی خود و سرفرازی ایران دوخته‌اند [۲۲].

شکل کاملاً خصوصی هنوز در ایران محقق نشده، اما نمونه‌های ذیل شکلهایی از آموزش عالی خصوصی در ایران است:

۱- مؤسسه‌ای که هزینه کامل خود را از استفاده کنندگانی نظیر دانشجویان یا کارفرمایان تأمین می‌کنند [۲۳]؛ اما تحت نظر برنامه ریزی‌های دانشگاه‌های دولتی اداره می‌شوند. مانند دانشگاه‌های غیر انتفاعی و آزاد [۲۳]؛ ۲- شکل میانه‌ای از خصوصی‌سازی که در آن دولت، با اهداف غیر انتفاعی، آموزش عالی را ارائه می‌دهد؛ اما سهم قابل توجهی از منابع آن از دولت، دانشجویان و خانواده‌های آنان تأمین می‌شود مانند دوره‌های شبانه و کارشناسی ارشد آموزش محور. دریافت شهریه و خصوصی‌سازی بخشی از آموزش عالی در ایران ناشی از دو عامل بالا بودن تقاضا برای آموزش عالی و محدود بودن اعتبارات دولتی است [۲۱].

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص "طرح ساماندهی شهریه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی" اعلام کرد: با وجود تأکید اصل سی‌ام قانون اساسی مبنی بر رایگان بودن آموزش عالی تاحد خودکفایی کشور، در حال حاضر نه تنها در بخش‌های غیردولتی، بلکه ۷۵ درصد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی نیز هزینه‌های تحصیلشان را خود متقبل می‌شوند و در واقع فقط به ۲۵ درصد از پذیرفته شدگان کنکور، خدمات آموزشی رایگان ارائه می‌شود [۲۰].

بر اساس گزارش ملی آموزش عالی ایران [۲۴] تعداد کل دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ برابر با ۱۵۶۵۲۴۲ دانشجو بود که از این تعداد ۱۳۹۱۸۷۴ نفر (۸۹/۹ درصد) در دانشگاه آزاد اسلامی و ۱۷۳۳۶۸ دانشجو (۱۱/۱ درصد) در دیگر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی - غیرانتفاعی به تحصیل اشتغال داشته‌اند. در این سال

بحث و نتیجه گیری

خصوصی سازی مؤسسات آموزش عالی یکی از راهبردهایی است که به منزله پاسخی به فشارهای عمومی و دولتی برای شفاف سازی هزینه‌ها، افزایش توجه به اثربخشی، بهره‌وری و تضمین کیفیت؛ تأکید بر ارزیابی مداوم عملکرد به دلیل کاهش نظارت مستقیم دولت بر مؤسسات خصوصی قلمداد می‌شود و باعث شده است که مدل سنتی انجام وظیفه دانشگاه‌ها تغییر یافته و شبیه بنگاه‌های تجاری گردد.

از آموزش عالی انتظار می‌رود که خود را با نیازهای جدید اجتماعی سازگار کند و به دنیای پیرامون و نیاز ذی‌نفعان پاسخگوتر باشد، عمل‌گرا و دانشجو محور باشد، مقرون به صرفه باشد و با دیگر فراهم‌کنندگان به منظور پاسخگویی به تقاضای وسیع اجتماع، برای کسب مهارت‌های جدید رقابت نماید. در چنین فضایی دانشگاه‌های سنتی باید تغییرات زیربنایی و همه‌جانبه‌ای در خود ایجاد نمایند که یکی از این تغییرات گرایش به خصوصی سازی دانشگاه‌ها است. در مجموع می‌توان گفت که دانشگاه‌ها در چنین فضایی با واژه‌های زیر توصیف می‌شوند: مدیریتی، مشارکتی، کارآفرین، خصوصی، بازار محور و سرمایه داری علمی [۲].

اصل سی‌ام قانون اساسی ایران، دولت جمهوری اسلامی را مکلف کرده تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را تا پایان دوره متوسطه و وسایل تحصیلات عالی را به طور رایگان تا سرحد خودکفایی کشور گسترش دهد. اما این یارانه‌ها، چگونه باید در جامعه توزیع شود؟ برای پاسخگویی به چنین ضرورت‌هایی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مورد واگذاری پارهای از مسئولیت‌های اجرایی به بخش خصوصی و تأسیس مؤسسات غیردولتی و غیرانتفاعی و نظارت بر این گونه فعالیت‌ها قدم‌هایی برداشته و به عبارت دیگر از تمرکزگرایی به تمرکززدایی روی آورده است. اما به نظر می‌رسد برای انجام چنین تصمیمی هنوز تردیدهای جدی در لایه‌های مدیریت آموزش عالی کشور به چشم می‌خورد با توجه به موانع و تنگناهایی که درخصوص توسعه آموزش عالی خصوصی در کشور ذکر شد، می‌توان با صراحت اعلام کرد که تا دستیابی به دانشگاه خصوصی با کیفیت معادل دانشگاه‌های دولتی طراز اول کشورمان هنوز فاصله زیادی وجود دارد و بی‌شک با وضعیت موجود، ایجاد چنین دانشگاه‌هایی در حد استانداردهای بین‌المللی، رویایی بیش نیست. نمونه‌های ایجاد شده دانشگاه‌های غیرانتفاعی، آزاد و شبانه

نیز هیچ کدام دانشگاه کاملاً خصوصی نیستند؛ چرا که درخصوص تعیین شهریه، گزینش هیئت علمی، تأمین بودجه مورد نیاز، راه اندازی رشته و گروه تخصصی و مهم‌تر از همه تعیین حدود و ثغور نظارت دولت بر عملکردشان با چالش‌های جدی و تهدیدآمیزی مواجه‌اند.

علیرغم افزایش شمار دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های خصوصی و مهم‌تر از آن تأکید برنامه چهارم توسعه مبنی بر این که «عمده توسعه آموزش عالی در مقطع کارشناسی باید از طریق مؤسسات غیر دولتی - غیرانتفاعی صورت پذیرد به نحوی که در پایان برنامه چهارم، تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در این گونه مؤسسات از حدود ۱۰۰ هزار نفر فعلی به ۴۵۰ هزار نفر افزایش یابد»، اما در عمل، حمایت لازم از این قبیل تصمیمات در توسعه‌ی بخش خصوصی به چشم نمی‌خورد.

اگر در بخش آموزش عالی دولتی، فراهم نمودن منابع جدید، مشکلات فراوان دارد و هر روز محدودتر می‌شود، اما در بخش خصوصی، منابع، تجربه و حتی سرمایه نامحدود است و می‌تواند مسئولیت بخش عمده‌ای از وظایف دولت را برعهده گیرد. به علاوه دولت فرصتی خواهد داشت که در این زمینه حرکت مناسبی را شروع کند و با حمایت از سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی شتاب لازم را به آن بدهد. برای انجام چنین کار بزرگی باید زمینه‌های لازم به ویژه در بعد اتخاذ راهبردها و سیاست‌های خصوصی سازی متناسب با شرایط کشور فراهم شود.

پیشنهادها

- شایسته است دولت در سطح کلان سیاست خود را در قبال فرایندهای خصوصی سازی شفاف سازد و تداوم اقدامات صورت گرفته در این زمینه را تضمین کند.

- شایسته است دولت از اهرم‌های نظارتی به منظور ایجاد رقابت در میان دانشگاه‌های خصوصی استفاده کند.

- همان‌طور که گفته شد با توجه به بالا بودن میزان شهریه‌های دریافت شده از سوی دانشگاه‌های خصوصی باید در تدوین برنامه‌های آموزشی به علایق ذینفعان از جمله خواسته‌های دانشجویان که ذی‌نفعان واقعی آموزش عالی هستند، توجه کامل شود.

- برنامه‌های خصوصی سازی آموزش عالی با دیگر برنامه‌ها و

منابع و مأخذ

- [1] Roksa, J. (2008). Structuring Access to Higher Education: the Role of Differentiation and Privatization. *Journal of Research in Social Stratification and Mobility*. pp. 75 -57.
- [2] Kwiek, M., Mickiewicz, A. (2003). *The State, the Market, the Higher Education. Challenges for the New Century*. The University, Globalization in Central Europe. Frankfurt and New York : Peter Lang, pp. 38-1.
- [3] Altbach, P. (1999) *International Issues Higher Education-Expansion: Hallmarks of the Postwar era, Change and Reform: Change and Reform: Trends Since the 1960s Encyclopedia of Education (First edition)*. pp. 1034 -1027.
- [4] Boyd, W. (1999). *International Aspects of Education Commerce, - Private Higher Education, Private Schools, For-Profit and Nonprofit Institutions, Public-Private Partnerships*. *Encyclopedia of Education (First edition)*. pp. 1221 -1218.
- [5] جانستون، بروس دی (۲۰۰۳). *خصوصی سازی*. ترجمه حمید رضا آراسته. دایره المعارف آموزش عالی، جلد اول. بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- [6] جونز، د. ر. (۱۹۹۲). *خصوصی سازی در بخش آموزش عالی*، مترجم هادی شیرازی بهشتی. موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی: دایره المعارف آموزش عالی: جلد اول. صص ۴۸۹-۵۰۵.
- [7] Barr, N. (2004). *Higher Education Funding*. *Oxford Review of Economic Policy*, Vol. 20 No.2. Oxford University Press. pp. 279 -264.
- [8] *A Report of the Delta Cost Project (2010). Trends in College Spending 2008-1998: Where Does the Money Come from? Where Does it Go? What Does It Buy?* pp.45-40.
- [9] Marcucci, P. N. and Johnstone, D. B. (2007). *Tuition Fee Policies in a Comparative Perspective: Theoretical and Political Rationales*. *Journal of Higher Education Policy and Management*. Vol. 29, No. 1, pp. 40 – 25.
- [10] Boarini, R., Martins, J. O., Strauss, H., Maisonneuve, C., Nicoletti, G. (2008). *Investment in Tertiary Education: Main Determinants and*

اقدامات زیربنایی اقتصادی کشور مثل اصلاح بازارهای تأمین بودجه (به ویژه از راه ترغیب افزایش مشارکت مردمی و کمک‌های خیرین)، اصلاح بازار کار (به ویژه با تأکید بر آرایه آموزش‌هایی که به اشتغال‌زایی فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها منتهی شود) و رفع موانع و محدودیت‌های تجارت (اعمال معافیت‌های مالیاتی و آرایه تسهیلات بانکی به دانشگاه‌های خصوصی).

اما، ابتدا باید تفکر و بینش لازم برای گسترش آموزش عالی خصوصی در بین سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران کلان اجرایی آموزش عالی کشور شکل بگیرد، سپس با تدوین و اجرای قوانین حمایتی، امنیت لازم و زمینه مساعد برای مشارکت بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی کشور فراهم شود. شاید مهم‌ترین و شایسته‌ترین کار، بازنگری در آیین‌نامه احداث واحدهای غیر انتفاعی و نگاه جدید به اساسنامه‌های "تیپ" این واحدها باشد. همچنین با تشکیل و تقویت هیأت‌امناهای دانشگاه‌های خصوصی و غیرانتفاعی، و مجامع آموزش عالی به ویژه در زمینه کنترل کیفی و اعتبار سنجی می‌توان از دخالت مستقیم و بی‌مورد دولت بر بخش خصوصی کاست.

پایگاه‌های اطلاعات استفاده شده در این مقاله:

- <http://www.sciencedirect.com>.
- <http://education.stateuniversity.com/pages/2042/Higher-Education-International-Issues.html>.
- <http://education.stateuniversity.com/pages/2108/International-Aspects-Education-Commerce.html>.
- <http://www.deltacostproject.org/resources/pdf/Trends-in-College-Spending08-98-.pdf>. pp. 45-40
- <http://www.natcen.ac.uk/pzMedia/uploads/EntityFieldFile/dbf184d1-8c485-75a-8163-c91b9e2a5496.pdf>
- http://www.martsandlundy.com/pdf/VSE_2009_Press_Release.pdf
- National Education Association
- <http://www.nea.org/assets/docs/HE/vol10no2.pdf>.
- <http://www.ILR.cornell.edu>.
- <http://www.ILR.cornell.edu>.
- www.asci.org.in/journals/1_36/Chan.pdf
- <http://jsi.sagepub.com>.
- <http://www.majlis.ir/mhtml/modules.php?name=News&file=print&sid=418>
- www.hozeh.net

Journal of Studies in International Education. Association for Studies in International Education. Vol.10, No.1. pp.70 – 46.

- [۱۹] رحمان سرشت، حسین (۱۳۷۴). گرایش به خصوصی سازی آموزش عالی در ایران و آموزش عالی خصوصی در جهان. مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی : فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، شماره ۱۲-۱۱، صص ۷۹-۷۱.
- [۲۰] مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۵). طرح ساماندهی شهریه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی [۲۱] دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۸). پژوهش تحلیلی بر روند خصوصی سازی آموزش عالی. پایگاه اطلاع رسانی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- [۲۲] آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۶). چارچوبی برای تدوین توسعه علمی کشور؛ رویکردی سیستمی. فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی. شماره ۴۰.
- [۲۳] رحیمی کلشادی، رضا (۱۳۸۸). خصوصی سازی آموزش عالی و بررسی اثرات و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی آن. پایگاه حوزه وابسته به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی. برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.
- [۲۴] گزارش ملی آموزش عالی ایران (۱۳۸۹). مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.

Implications for Policy. CESifo Economic Studies. Vol. 54, No.2. pp. 312-277.

- [11] Gilby, N., Liloyd, C., Shaw, A. (2010). Ross-CASE Survey 09-2008: Final report.
- [12] Council for Aid to Education (2010). Contributions to Colleges and Universities.
- [13] Uwakwe, C., Falaye, A. O., Emunemu, B. O., Adelere, O. (2008). Impact of Decentralization and Privatization on the Quality of Education in Sub-Saharan Africa: the Nigerian Experience. European Journal of Social Sciences, Vol. 7, No.1. pp. 170 -160.
- [14] Ehrenberg, R. G. (2006). ILR Impact brief-the Privatization of Public Higher Education: Can We Afford it? Cornell University ILR School.
- [۱۵] یونسکو (۲۰۰۹)، بیانیه کنفرانس جهانی آموزش عالی: پوششهای جدید آموزش عالی و پژوهش برای تغییر اجتماعی و توسعه. پاریس ۸-۵ جولای ۲۰۰۹.
- [16] Chan, P. T.H. (2006). Implications of Commercialization and Privatization in Higher Education. ASCI Journal of Management. Vol. 36, No. 1.
- [17] Lee, J. (2004). Higher Education and Privatization. Vol, 10 No. 2.
- [18] Narayana, N. R. (2006). Privatization Policies and Post Privatization Control Devices in Indias Higher Education: Evidence from a Regional Study and Implications for Developing Countries.